

اوضاع جدید سیاسی

بخش سوم: ابتکارات و اقدامات فوری در قبال شرایط کنونی

صفحه ۴

رحمان حسین زاده

اعلامیه حزب حکمتیست

علیه سیاست اعاده قدرت طالبان

ضرورت سازماندهی یک جنبش مقاومت توده ای

۶۰۸

مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۲۲ مرداد ۱۴۰۰ - ۱۳ اوت ۲۰۲۱

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

در مورد رویداد نگران کننده شهر نقده

وقتی معصومه ابتکار "هیجانی" می شود!

صفحه ۶

ملکه عزتی

بازگشت به آغوش پر مهر مادر؟

از طالبان تا جمهوری اسلامی

صفحه ۷

نادر شریفی

ستون اخبار مبارزات کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

منتشر شد:

نقد کتاب توماس پیکتی

سرمایه در قرن بیست و یکم

حسین مرادیگی (حمه سور)

یادداشتها،

اعتراف به جنایت

خامنه ای مسؤل قتل عام

کنونی است

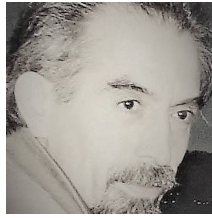
سیاوش دانشور

اینروزها صدای خیلی از دمکراتها درآمده که برج های دیده بانی "حقوق بشر"، "مبارزه علیه خشونت"، "مقابله با تروریست ها" و دفاع از "حقوق زن" و "حقوق کودک" چرا چشم شان کور و گوش شان کر است؟ مگر نمی بینند که کرور کرور مردم بی دفاع از وحشت طالبان خانه و زندگی شان را بجا گذشته و جانشان را برداشته و بسوی مرزها روان شده اند! مگر نمی بیند طالبان هر ده و شهری را می گیرد، اولین کارش گرفتن دختر بچه های ۱۲ ساله و وادار کردن به "نکاح اجباری" است! رسانه ها سکوت مرگباری را دنبال می کنند و اخبار بیشتر به حاشیه ها و مناسبات دیپلماتیک و توافقات با قدیم تروریستهائی اشاره دارد که در چشم بهم زدنی شکل و شمایل دولت گرفته اند!

سرنوشت وحشتناک زنان ایزدی در اسارت داعش هنوز مو بر تن آدم راست می کند. افغانستان تحت سلطه طالبان و باندهای متفرقه اسلامی و جهادی کمتر از این نبوده است، با اینحال در مناطقی که طالبان قدرت نداشت، نه حکومتی ها توانستند این درجه توحش را علیه زنان اعمال کنند و نه زنان چنین اجازه ای را دادند. حال طالبان برگشته، حتی بدون اعلام قوانین اسلامی و اقداماتش تاکنونی اش، مردم میدانستند که چه آینده تاریک و وحشتناکی در انتظار است. امروز در مقابل

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



کودکان شهروندان افغانی را صرفاً بدلیل نداشتن یک تکه کاغذ به اسم شناسنامه از تحصیل محروم کردند، مرتباً اتهام "قاتل و دزد و تجاوزگر" را بالای سر این مردم شریف نگاهداشته اند. مانند هر فاشیست دیگری در دنیا "منشا بیکاری را مهاجرین قلمداد میکنند". کارگران آگاه فریب این سیاستهای سرمایه داران "خودی" که به فکر

"جوانان بیکار ایرانی" اند را نمیخورند! کارگران آگاه میدانند سرمایه به کارگر نه به چشم یک انسان بلکه به چشم یک ابزار تولید سود نگاه میکند و از موقعیت کارگر مهاجر برای پائین نگهداشتن سطح دستمزدها و ایجاد رقابت میان صفوف طبقه کارگر استفاده میکند.

کارگران تبلیغات فاشیستی حکومت اسلامی و تهاجم سرکوبگران به بخشی از هم طبقه های خود را قویاً محکوم میکنند. کارگران در مقابل این ارتجاع فاشیستی که هدفش را تضعیف کل طبقه کارگر و رواج خرافات ملی قرار داده است، سیاست همبستگی طبقاتی و اتحاد کارگری را پیش رو میگذارند و بر همسرنوشتی طبقه کارگر بعنوان یک موجودیت جهانی تاکید میکنند. این جمهوری اسلامی و سرمایه داران هستند که به هزینه کارگران و از جمله شهروندان افغانستانی زندگی طفیلی خود را میگذرانند.

کمونیسٹ ها، جنبش طبقه کارگر، جنبش آزادی زن، اردوی آزادیخواهی و برابری طلبی، موظف است در اینروزها صدای مردم افغانستان و زنان و مردانی باشند که حاضر نیستند به سلطه طالبان تن دهند. زنان و مردان آزادیخواه و مردم مخالف طالبان راهی جز سازماندهی یک مقاومت توده ای و مسلحانه برای پاکسازی محیط زندگی شان از وحوش طالبان ندارند. سیاستی که در مقابل قدرتگیری مجدد و سلطه طالبان می ایستد، بطور واقعی علیه کل سیاست آمریکا، دول غربی، جمهوری اسلامی و ارتش پاکستان و بخش مهم نیروهای شریک در دولت حاکم در افغانستان است.

مرگ بر طالبان، چه در کابل چه تهران!
۱۲ اوت ۲۰۲۱

جهان بدون

فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم،

بدون «خطر» سوسیالیسم،

به چه منجلا بی تبدیل میشود!

منصور حکمت

کابوسی طالبان

از زنان ایزدی تا زنان افغانستانی ...

چشم جهان نیروهای طالبان به کودکان تجاوز می کنند و البته وجدان دمکرات های لیبرال ابداً جریحه دار نمیشود.

وضع کنونی محصول توافق آمریکا با طالبان و آزاد گذاشتن وی برای تصرف مناطق و دست بالا پیدا کردن قبل از مذاکرات نهائی است. بایدن رسماً میگوید مردم طالبان باید از خودشان دفاع کنند و سیاست آمریکا روشن است. دولتهای اروپائی یادشان افتاده که امواج آوارگی میتواند به اروپا بیاید، لذا میگویند "پیام بد ندهیم"، در نتیجه شش کشور اروپائی اخراج پناهجویان افغانی را ادامه میدهند. وقتی قرار است با تروریست ها تانگو برقصند، دیگر حقوق بشر جائی گم و گور میشود. حال اروپا محوری و سیاستهای ضد مهاجر در بورس است. جمهوری اسلامی نیز در شهرهای مختلف ایران مرتباً به مهاجران و کارگران زحمتکش افغانستانی تهاجم میکند. بطور موسمی و طبق دستورالعمل، مزدوران انتظامی در حوزه خود به گشت و تعقیب و بازداشت مهاجران افغانستانی می پردازند. به مراکز اصلی کار و زندگی کارگران افغانستانی یورش میبرند. بدنال پذیرائی از طالبان و توافق با وی در تهران، چه بسا این بخت برگشتگان دیپورتی را مستقیماً به طالبان تحویل بدهند. آمریکا با فشار موجب آزادی زندانیان طالبان شد، کشورهای اروپائی اخراج پناهجویان افغانی را ادامه می دهند و جمهوری اسلامی نیز کار قدیمی اش را ادامه میدهد. همه به طالبان نیرو میدهند.

کارگران افغانستانی در ایران در دشوارترین شرایط توسط سرمایه داران "وطنی" استثمار میشوند. کارگران افغانستانی بی حقوق ترین و محرومترین بخش طبقه کارگر ایران هستند. سرکوب خونین، زندگی تروریزه شده، تبلیغات راسیستی مداوم در رسانه ها و توسط ارگانهای دولتی، دستمزد کمتر، ساعت کار طولانی، کار شاق و طاقت فرسا، منشا سود سرشار سرمایه داران در ایران بوده است. بساط لغت و لیس سرمایه داری در ایران با کار کارگر- چه متولد ایران و چه مهاجر- میچرخد و تمام جلال و جبروت این مرتجعین را کارگران تامین کرده اند!

فاشیسم ایرانی و آلمانی و اسرائیلی و امریکائی از یک قماش اند.



عمومی و توده ای نیاز دارد، الزامات و موانع سیاسی و عملی جدی دارد، اما بیشترین ظرفیت بسیج در لحظه کنونی را دارد.

زنان و مردان آزادیخواه، مردم زحمتکش، کمونیست ها و سوسیالیست ها و جریانات سکولار باید استخوانبندی این جنبش مقاومت در مقابل ترور و توحش طالبان را شکل دهند. اینبار فرصتی هست که جامعه روی پای خود و مستقل از نیروهای اسلامی و حکومتی و حامیان جهانی اش، علیه اسلام سیاسی طالبان بمیدان بیاید. در این جدال مردم منطقه از تهران و بیروت و بغداد تا پاریس و برلین و پایتخت های جهان کنار جنبش مقاومت علیه حکومت طالبان خواهند ایستاد. یک رکن مهم چنین جنبشی، یک حرکت گسترده بین المللی، علیه تروریسم دولتی و اسلامی، در دفاع از سکولاریسم و یک دولت غیر قومی و غیر مذهبی در افغانستان است. جنبش مقاومت توده ای نیازمند یک جنبش حمایت بین المللی بیرون مرزهای افغانستان است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بند و بست دولتهای آمریکا و پاکستان و جمهوری اسلامی با طالبان را قویا محکوم میکند. ما از حق مردم آزادیخواه و زنان و مردان زحمتکش افغانستان برای ایستادگی قاطع در مقابل طالبان حمایت می کنیم. کارگران و مردم آزادیخواه ایران، بویژه جنبش آزادی زن که چهار دهه است علیه طالبانهای تهران مبارزه می کنند، کنار جنبش مقاومت توده ای علیه حاکمیت طالبان خواهد ایستاد. مردم افغانستان اینبار باید به افکار عمومی پیشرو و حرکتهای ضد سرمایه داری در منطقه و جهان متکی شوند تا بتوانند در مقابل کمپ ارتجاع داخلی و متحدان منطقه ای و بین المللی اش، از حکومت مجدد طالبان ممانعت کنند و با اعمال اراده مستقیم سرنوشت خود را به دست بگیرند. جنبش مقاومت توده ای مسلحانه در مقابل طالبان، مشابه آنچه در کوبانی داعش را شکست داد، زمینه مقاومتی خاموش نشدنی علیه جنبش اسلام سیاسی ایجاد میکند. عقب راندن و شکست طالبان مقدمه ای برای ریشه کن کردن کل نیروهای جنگ سالار و تروریسم و تاجر اسلامی در منطقه است.

**مرگ بر طالبان، چه در کابل چه تهران!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۱۴ مرداد ۱۴۰۰ - ۵ اوت ۲۰۲۱

دستور کار یک کمونیست، یک آزادیخواه و برابری طلب، هر کسی که نمی خواهد بساط توحش اسلامی طالبان مجددا راه بیافتد، در لحظه حاضر برافراشتن پرچم مقابله فعال با طالبان است. سازماندهی یک جنبش مقاومت توده ای و مسلحانه برای دفاع از خود و شهرها و روستاها در مقابل نیروهای طالبان، تنها سیاست انقلابی و بسیج کننده در لحظه حاضر است.

علیه سیاست اعاده قدرت طالبان

ضرورت سازماندهی یک جنبش مقاومت توده ای

طالبان این نیروی تروریست و عهد عتیقی، با سادگی و در جاهانی بدون درگیری، به فتوحاتش می افزاید و فی الحال نقشه تصرف شهرهای بزرگ و کابل را دارد. طالبان منتظر رفتن باقیمانده نیروهای آمریکا است تا آخرین حملات را آغاز و مسئله قدرت دولتی را نهائی کند. بازگشت طالبان در هر شهر و روستا با اعمال قوانین شنیع اسلامی و ضد زن و قتل و جنایت همراه بوده است. بازگشت طالبان تنها کابوس زنان و مردم رنجیده افغانستان نیست، سوالی منطقه ای هم هست. آمریکا بدنبال حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر با حمله به افغانستان حکومت طالبان را سرنگون کرد. "جمهوری اسلامی افغانستان" حاصل صدور دمکراسی موشک کروز بود. بعد از دو دهه جنایت و فساد به نقطه اول برگشتند: بازگشت طالبان اینبار با حمایت آمریکا! زیر عنوان بی مثنای "مذاکرات صلح" آمریکا با طالبان به توافق رسید که آنها را به قدرت و شرکت در حکومت بازگرداند. این بند و بست آمریکا و طالبان با همکاری و حمایت جمهوری اسلامی، ارتش پاکستان و بخشی از هیئت حاکمه کنونی و جنگ سالاران صورت گرفته است.

بازگشت طالبان بار دیگر افغانستان را به قتلگاه زنان و یک پایگاه فعال صدور تروریسم تبدیل می کند. بازگشت طالبان یعنی محو کردن مجدد زنان از جامعه، حمله به هر ذره از حقوق و آزادی فردی و اجتماعی، بستن مدارس و ممنوعیت آموزش و هر جلوه از زندگی، خرید و فروش زنان و کودکان در بازار برده فروشی، قتل شرعی و قانونی تحت پرچم "صلح در افغانستان"! بازگشت طالبان در معادلات سیاسی منطقه فاکتوری بنفع تروریسم اسلامی است. بازگشت طالبان بلوک ارتجاع منطقه، تروریسم و میلیتاریسم، شکاف و دشمنی میان مردم محروم منطقه را تقویت میکند.

امروز چه باید کرد هر کمونیست و آزادیخواهی در افغانستان ممانعت از بازگشت طالبان و به شکست کشاندن نقشه انتلاف ارتجاعی حامی طالبان است. یک دو راهی سرنوشت ساز در مقابل مردم زحمتکش افغانستان قرار گرفته است؛ تسلیم به حاکمیت طالبان یا مقاومت در مقابل آن! دستور کار یک کمونیست، یک آزادیخواه و برابری طلب، هر کسی که نمی خواهد بساط توحش اسلامی طالبان مجددا راه بیافتد، در لحظه حاضر برافراشتن پرچم مقابله فعال با طالبان است. سازماندهی یک جنبش مقاومت توده ای و مسلحانه برای دفاع از خود و شهرها و روستاها در مقابل نیروهای طالبان، تنها سیاست انقلابی و بسیج کننده در لحظه حاضر است. جنبشی که میتواند سازمان دفاع از خود و تامین نیازها و امنیت شهروندان را با ایجاد شوراهای مردمی مسلح در محلات و مناطق آغاز کند و در مقابل تلاش طالبان برای قدرتگیری مجدد سدی ببندد. این سیاست به رهبری و سازمان و تسلیح

مرگ بر جمهوری اسلامی!



اوضاع جدید سیاسی

بخش سوم: ابتکارات و اقدامات فوری در قبال شرایط کنونی

رحمان حسین زاده

اعتراض شهری و تلاشهایی که برای تحکیم همسرنوشتی و همبستگی این دو بخش پر قدرت جنبش اعتراضی کارگر و مردم در جریان است، نشان دهنده آمادگی و آرایش جدید جنبش ما با پیام مشترک و قاطع تعیین تکلیف قطعی و سرنگونی جمهوری اسلامی است. به نظرم دو طرف این جدال سرنوشت ساز به روشنی میدانند که پا به عرصه نبرد نهایی با هم گذاشتند. این واقعیت را همه رهبران و پیشروان جنبش کارگری و جنبش توده ای به روشنی باید تشخیص دهیم و بر این اساس خود را آماده کنیم. نا آمادگیهای موجود را پر کنیم. به اتحاد و همبستگی و فصل مشترکها و تشکل و تاکتیک و شعارها و اقداماتمان شکل دهیم. فوری ترین چه باید کرد، گره زدن همه پتانسیلهای مبارزاتی مان بر محور سرنگون کردن جمهوری اسلامی و تحقق آزادی، برابری، رفاه همگانی و اداره شورایی است.

ب- متحد و همگام کردن جنبش اعتصاب کارگری و جنبش اعتراض شهری: اکنون دوره همگام و متحد کردن دو جنبش گسترش یافته اعتصاب کارگری و اعتراض شهری در یک پیکره قدرتمندی است که با پتانسیل مبارزاتی کوبنده خود، جمهوری اسلامی را زیر ضرب خرد کننده خود بگیرد. ایجاد چنین همگامی و اتحاد مبارزاتی در گرو همگامی و دست در دست هم گذاشتن شبکه رهبران و فعالین کارگری رادیکال و سوسیالیست و فعالین رادیکال جنبش اعتراضات شهری در نقشه ای هماهنگ و هدفمند برای گسترش جنبش اعتصابات کارگری و اعتراضات شهری در سراسر ایران است. جنبش اعتصابات کارگری و جنبش اعتراضات شهری ستونهای اصلی جنبش سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی هستند، متحد شدن و همبستگی این دو عرصه مهم نبرد سیاسی و مبارزاتی یعنی قدرتمند شدن جنبش سرنگونی، که در هر قدم قوی شدن خود میتوانند قدم به قدم تناسب قوا را به نفع جنبش آزادی و برابری تغییر دهند. حول پلانقرم سرنگونی جمهوری اسلامی متکی به اراده اجتماعی کارگر و مردم و حول شعارهای انقلابی از جمله "آزادی، برای، رفاه همگانی"، و "معیشت و سلامت و اداره شورایی" پیروزی بر جمهوری اسلامی و نظم حاکم سرمایه را به فرجام برسانند.

ج- ایجاد شوراهای محل کار و محلات: قدرت کارگران و جنبش اعتصاب کارگری و به همین ترتیب قدرت جنبش اعتراض شهری را به فوریت به مجامع عمومی و تشکل شورایی باید متکی کرد. مراکز کار به عنوان مکان شکل گیری اعتصابات و محلات شهرها به مثابه مکان شکل گرفتن اعتراضات شهری کانونهای هم اکنون موجود قدرت جنبش کارگری و توده ای هستند. پتانسیل مبارزاتی موجود در مراکز کار و در محلات بسرعت لازمست تجلی سازمانیافته پیدا کند. بر این اساس دوره اقدام عاجل برای ایجاد مجامع عمومی پایدار و شوراها در مراکز کار و در محلات شهرها است. این اقدام فوری فعالین کارگری و سوسیالیست در مراکز کار و محلات و تلاش همه نیروهای کمونیست برای تحکیم و وسعت بخشیدن به این حرکت را میطلبد. با تشکیل

در دو بخش قبلی تاکید کردم، با اوضاع جدید و مؤلفه های مهم جدیدی در اوضاع سیاسی روبرو هستیم. از جمله در بخش اول به هدف جمهوری اسلامی از ایجاد آرایش جدید در ساختار قدرت سیاسی، و اکنون دست بکار شدن رئیسی جنایتکار در رأس قوه مجریه برای مقابله با روند گسترش یابنده مبارزات کارگری و توده ای پرداختیم. حرکت سراسری و هدفمند دهها میلیونی مردم ایران در به شکست کشاندن جمهوری اسلامی در روز ۲۸ خرداد و به دنبال آن روز بعدش ۲۹ خرداد و شروع اعتصاب دهها هزار نفری کارگران بخش وسیعی از مراکز صنایع نفت و پتروشیمی ها به عنوان نقطه عطف های تعیین کننده، بررسی کردیم. در بخش دوم بر پدیده بسیار مثبت همزمانی جنبش اعتصاب کارگری و جنبش اعتراض شهری به عنوان دو عرصه اصلی نبرد سیاسی و طبقاتی تاکید کردیم. اکنون در بخش سوم و پایانی به چه باید کرد مشخص و فوری کارگران و مبارزین آگاه و سوسیالیست و کمونیستهای دخیل در جنبش کارگری و توده ای میپردازیم.

چه باید کرد!

یک وجه مهم و محور اول هر چه باید کرد و تدوین نقشه درست کار، بدو تحلیل درست اوضاع و تشخیص تناسب قوا و دیدن صفتبندیهای سیاسی و طبقاتی و بر اساس آن تدقیق استنتاجات راهگشا و مشخص است. به نظرم در دو بخش قبلی بحث تبیین درستی از اوضاع بدست دادیم. بر این اساس میتوانیم محورها و سرخط های تاکتیک و اقدامات کنکرت را مطرح کنیم.

الف- جمهوری اسلامی و مردم، دوره تعیین تکلیف قطعی با هم: وقتی به صف آرای جمهوری اسلامی و مردم در مقابل هم خیره میشوید، به وضوح معلومست صف بندیها در راستای تعیین تکلیف قطعی و نهایی با همدیگر است. اشاره کردیم در آرایش جدید هیئت حاکمه جمهوری اسلامی برای بقای خود، فشرده ترین بخش ارتجاع و عصاره جانی ترین جانپان چهل ساله عمر خود (به قول خودشان، هسته سخت قدرت) را به جلو صحنه رانده و در مسند قدرت قرار داده اند. این آرایش برای مقابله با جنبش اعتراضی و سرنگونی طلبانه مردم صاحب اراده ای است که سران جمهوری اسلامی به وضوح کابوس گسترش روز افزون آن را لمس میکنند. از آنجا که همه پلهای پشت سرشان را خراب کرده اند، درست مثل تجربه همه مستبدین جهان راهی جز تقابل لجوجانه و مذبحخانه با مردم برای خود باقی نگذاشته اند. خیال میکنند میتوانند جنبش عروج کرده اعتصابی و اعتراضی و جنبش گسترش یافته سرنگونی را اگر شکست هم ندهند، چنان عقب برانند تا مدتها نگران سرنگونی نظامشان نباشند. کور خوانده اند، به نظرم سرشان به سنگ میخورد و سرنگون میشوند. در جبهه مقابل، جنبش ما کارگران و مردم هم نه تنها بیکار ننشسته به حکم شرایط عینی با صف آرای جدیدی به میدان آمده است. همزمانی جنبش اعتصاب کارگری و جنبش

اوضاع جدید سیاسی

بخش سوم: ابتکارات و اقدامات فوری

در قبال شرایط کنونی ...

شوراهای پایه در محل کار و در محلات در موقعیت محکم و جدیدی قرار میگیریم، آن وقت ترسیم حرکت آتی سازمانیابی شورایی به سمت ابعاد بالاتر و مرکب تر و سراسری تر موضوعیت جدی پیدا میکند و به موقع به آن پاسخ داده میشود.

د- طرد و خنثی کردن سیاستهای اپوزیسیون راست: جمهوری اسلامی چنان به پایان خط رسیده، که بخش زیادی از اپوزیسیون راست پروغریبی سالها امید بسته به "رژیم چینج" و دخالت قدرتهای بزرگ اکنون به سمت "براندازی" و "نه به جمهوری اسلامی" چرخیده اند. اینکه دامنه جنبش سرنگونی گسترده تر شده، جریانات راست هم به آن پیوسته اند، نشانه قدرت برخاسته از اعماق جامعه و اراده کارگر و مردم برای تغییر وضع موجود و کنار زدن جمهوری اسلامی است. اما همانطور که تا بحال دیده شده، با روشن بینی سیاسی و طبقاتی لازمست سیاستها و ترفندهای جریانات راست در میان کارگران و مردم افشاء و خنثی شوند. به ویژه آنجا که ریاکارانه خود را به مبارزه کارگر و مردم آویزان میکنند. درس و تجربه تلخ و بزرگ جابجایی قدرت در سال ۱۳۵۷ برای طبقه کارگر و مردم متنفذ از استثمار و فقر و تبعیض و نابرابری و اردوی کارگر و مردم خواهان آزادی و رهایی قطعی از نظم سرمایه، این حقیقت است، که این بار به نیروی ذخیره آلترناتیو بورژوازی تبدیل نشویم. نمیگذاریم آن تجربه تلخ تکرار شود. بیش از چهاردهه مبارزات کارگری و توده ای، اکنون آلترناتیو خود طبقه کارگر، آلترناتیو سوسیالیستی کارگری و بنیاد گذاشتن حاکمیت شورایی را به واقعیت جدی تبدیل کرده و برای تحقق آن میکوشیم.

۱۳ اوت ۲۰۲۱

جنبش مجمع

عمومی کارگری را

گسترش دهیم!

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

در مورد رویداد نگران کننده شهر نقده

روز شنبه ۱۶ مرداد به دنبال کشمکش شخصی، فردی به اسم فریدین ابراهیمی از کرد زبانان شهر نقده متأسفانه به قتل رسید و فرد دیگری به اسم کمال محمدی نیز زخمی میشود. بنا به اخبار منتشر شده، فرد قاتل رضا نام دارد و از مزدوران محلی سپاه و ترک زبان می باشد.

مردم شهر نقده و عمدتاً کرد زبانهای ساکن شهر در اعتراض به این جنایت و احتمال اعمال نفوذ مقامات قضایی و نظامی این شهردر پرونده این جنایت، در خیابان پیرانشهر شهر نقده مقابل کلانتری با شعارهای ضد حکومتی به این جنایت اعتراض می کنند.

این اعتراض بمدت چند ساعت ادامه پیدا می کند و جوانی به اسم محمد عزیززاده توسط شلیک مستقیم نیروهای سپاه و گارد ویژه کشته و تعدادی دیگر از جوانان معترض نیز زخمی می شوند.

در شرایطی که جامعه ایران دستخوش تحول است و هر روز اعتراض و نارضایتی مردم علیه جمهوری اسلامی گسترش پیدا می کند، بنا به اخبارمنتشرشده به دنبال این جنایت، تعدادی از ناسیونالیست های ترک با حمله به مغازه های کرد زبان شهر و نفرت پراکنی علیه مردم کرد زبان به فضای کینه و نفرت قومی دامن می زنند. عامل اصلی این جنایت، جمهوری اسلامی و مقامات محلی وابسته می باشند.

در شرایط کنونی با توجه به فضای اعتراضی و نفرت عمومی از رژیم جمهوری اسلامی، حکومت و مزدوران محلی آن تلاش می کنند که برای تفرقه و دودستگی میان مردم، به کینه و کشمکش ملی که مطلوب جمهوری اسلامی برای بقای ننگینش است دامن بزنند. متأسفانه در شهر نقده در بهار سال ۵۸ به مدت چند روز و اساساً به تحریک ملاحسنی امام جمعه جنایتکار جمهوری اسلامی در ارومیه، جنگ چند روزه کرد و ترک را راه انداختند. به دنبال آن، قتل عام مردم بیگانه "قارنا و قلاتان" دوباره با تحریک ملاحسنی مرتجع و همچنین دامن زدن به کینه و نفرت قومی میان مردم توسط مزدوران سپاه صورت گرفت. این جنایات، هنوز از حافظه مردم پاک نشده است.

امروز نیز رژیم جمهوری اسلامی که به طرف سرنگونی میرود، برای ادامه بقا از این ابزار برای تفرقه و دودستگی و سرکوب مردم قطعاً استفاده می کند.

نباید اجازه داد که فجایی از این دست دوباره تکرار شوند. مردم باید هوشیار باشند که این واقعه به ابزاری در دست ناسیونالیست های "ترک و کرد" برای باد زدن کینه و نفرت قومی میان مردم تبدیل نشود. تکرار آن تاریخ و این وقایع فقط به نفع جمهوری اسلامی و به ضرر مردم تمام خواهد شد.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست این جنایت را محکوم می کند، مسببین ایجاد چنین وضعیتی باید مجازات شوند. ما از مردم و آزادیخواهان شهر نقده میخواهیم، که هوشیار باشند، درشرایطی که مردم برای مقابله با رژیم جنایتکار اسلامی بیشتر از هر زمانی به همدلی و اتحاد و همبستگی نیاز دارند اجازه ندهند مسائل قومی و ملی به ابزاری در دست جمهوری اسلامی برای تفرقه و تضعیف مبارزات متحدانه مردم تبدیل شود. مردم شهر نقده اعم از "کرد و ترک زبان" شهروندان متساوی الحقوق، دارای منافع و درد مشترک و درمقابل یک دشمن مشترک یعنی جمهوری اسلامی قرار دارند و باید تمام توان و نیروی متحد خود را برای خلاصی از زندگی پر از فلاکتی که رژیم سرمایه داری اسلامی برای مردم محروم ساخته است بکار گیرند. انتظار از صف انسانهای آزادیخواه و برابری طلب شهر نقده این است که بیشترین تلاش را برای ایجاد همدلی و همبستگی میان مردم به بکار بگیرند.

زننده باد اتحاد و همبستگی مبارزاتی مردمان نقده

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زننده باد آزادی - زننده باد سوسیالیسم

۱۰ اوت ۲۰۲۱

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت)، هسته اقلیت



زن ستیز جمهوری اسلامی آنها را بدلیل تن ندادن به رابطه جنسی تحت فشار و خشونت، دادگاهی و محکوم میکنند! نفرت انگیزتر از این طرح خود معصومه ابتکار است.

معصومه ابتکار با این نگاه و تفکر زن آزار و مبلغ خشونت در راس ارگانی بوده که "مسئولیت رسیدگی به امور زنان" را بعهده داشته است. درست مثل همکاران دزدش که در راس بانک مرکزی و وزارت دارایی قرار دارند، درست مثل قاتلین هم خط و هم نظرش که در راس قوه قضاییه قرار دارند، درست عین آدمکشانی که در راس قوه مجریه و مقننه قرار دارند. کل مجموعه این حکومت باندهای قاتل و سرکوبگری هستند که روزگار مردم محروم جامعه را سیاه کرده اند. اینها با هر جنایتی که خلق میکنند به "هیجان" می آیند.

ما بعنوان یک حزب انقلابی و کمونیست که برابری بیقید و شرط زن و مرد یک هدف قدیمی ماست از کاربدستان جمهوری اسلامی ذره ای توهم در هیچ عرصه ای و خصوصا در مسئله زننداریم. ما این جنایتکاران را خوب میشناسیم. به کارنامه آنها و میزان دشمنی آنها با زنان آشنایی کامل داریم. ما نسلی هستیم که ظرفیت بالای سرکوب و وحشیگری آنها علیه زنان را تجربه کردیم و علیه شان جنگیدیم و قربانی ها دادیمزمانی که همکاران آتش به اختیار و جنایتکار معصومه ابتکار با پونز و اسید و تیزبر به زنان "بد حجاب" و بی حجاب حمله میکردند. اینها کسانی هستند که زنان را تا سینه در خاک محبوس کرده و سنگسارشان میکردند. ما شاهدان کشتار دهه ۶۰ هستیم. برای ما کارنامه معصومه ابتکار و کلیت جمهوری جنایت و اعدام اسلامی مملو از سیاهی و تباهی است. ظرفیت بالای خشونت و سرکوب در اینها برای همه روشن است. اینها از انسانیت تهی شده اند.

انسانهای نرمال که مذهب آنها را مسخ و بی اختیار نکرده در شادی در نوآوری در خلاقیت و آفریدن و تحول دچار هیجان میشوند. تبیین سخیفانه معصومه ابتکار از واژه هیجان تنها کاربردش سرپوش گذاشتن بر جنایاتی است که زنان روزانه در معرض آن قرار دارند و امنیت شان بخطر می افتد. استفاده چندش آور از واژه هیجان در توضیح اقدام به قتل از این دست، بیانگر افکار مهجور و سوپر ارتجاعی است که زنان را در هر صورت مقصر میدانند و حتی سلطه حکومت آپارتاید جنسی را ناشی از فرهنگ و خواست زنان معرفی میکنند. کم شنیدید که به زن مورد تجاوز قرار گرفته اینگونه برخورد شده که "اگر اینطور لباس نمی پوشید، اگر اینطور راه نمیرفت، اگر بلند نمی خندید"، اگر ... شاید این اتفاق رخ نمی داد، تقصیر خوش است، تحریک کرده است! حرف معصومه ابتکار از این هم بدتر است.

با اینحال در لبه گور قرار دارید. این حجم از سرکوب و خشونت سازمانیافته و تحقیر شخصیت زنان هنوز نتوانسته زنان را از صحنه جامعه بیرون کند. اعتراض زنان و جنگ روزمره با حکومت درد بی درمان بارگاه اسلام است. در این روزهای پر تلاطم که جامعه در خروشی آشکار است و سرنوشت جمهوری اسلامی به مرحله تعیین تکلیف رسیده است، معصومه ابتکار و آتش به اختیارها باید دنبال سوراخ موش باشند. غلط اضافی موقوف! *

وقتی معصومه ابتکار "هیجانی" می شود!

ملکه عزتی

هفته گذشته در شهر ارومیه یکی از آتش به اختیاران خامنه ای که از نحوه حجاب دو زن عابر در خیابان ناراضی بوده، وظیفه "امر به معروف و نهی از منکر" را با به زیر گرفتن این دو زن با ماشین انجام داد و مصداق آتش به اختیار در خیابان علیه دو زن جوان به قصد کشت آنها شد.

معصومه ابتکار معاون حسن روحانی در امور زنان و خانواده در این رابطه در تونیتی اظهار نظر کرده است. ای کاش علم الهدای مونث دهن باز نمیکرد و فضا را با اظهارات ضد زن و روحیات سادیستی - جنایتکارانه اش مسموم نمیکرد. معصومه ابتکار مشکلی با "تذکر دادن که وظیفه هر مسلمان مومنی است" ندارد و در اینمورد چیزی نگفته است. قسمت وقیح اظهار نظر وی توضیح و توجیه زیر ماشین گرفتن آن دو زن است که میگوید: "زیر گرفتن دو زن بعد از تذکر حجاب، اقدامی هیجانی بود!" ملاحظه می کنید؟ این تحفه فمینیسم اسلامی و حکومتی است، آنهایی که در گنداب اسلام دنبال حقوق زن می گردند. از نظر ابتکار که خود در اقدامات هیجانی در طول حیات سیاسی اش شرکت داشته، زیر ماشین گرفتن دو زن در خیابان که در هر جامعه نیمچه متمدن اقدام به قتل عمد است، برای کماندوی حزب اللهی "هیجانی" است و موجب بالا رفتن آدرنالین میشود. آدم یاد بازجوها در زندان می افتد که هرچه شکنجه زندانی وحشیانه تر و هرچه بیحرمی عمیق تر باشد، هیجان جلا دادن و رقابت شان بالاتر و داغ تر است!

معصومه ابتکار از همان اوان جوانی در صف دانشجویان حرب اللهی و خشکه مقدس "پیرو خط امام" هیجانات زیادی را تجربه کرده و با مفهوم هیجان آشناست. هیجان بالا رفتن از دیوار سفارت امریکا، هیجان داشتن تابعیت دوگانه امریکا-ایران، هیجان اقامت پسرش در سرزمین "شیطان بزرگ"، هیجان دستگیری فعالین محیط زیست - زمانی که وی ریاست سازمان محیط زیست را بعهده داشت- و مهم تر از همه هیجان تصویب طرح "برابری عدالت جنسیتی اسلامی" است که با پیشنهاد ایشان در "ستاد زن و خانواده جمهوری اسلامی" تصویب شده و نتیجه اش چیزی نبوده جز تعدد قتل های ناموسی، افزایش چند همسری و خشونت بیسابقه بر زنان در محیط کار و خانواده، اجازه ازدواج با فرزند خوانده تحت عنوان ارتجاعی و پدوفیلیستی "کودک همسری" که ایشان مفتخرانه و با باد درغیب انداختن طرح جایگزینی سن ۱۲ سالگی به جای ۹ سالگی را برای ازدواج پیشنهاد داده است. او در مصاحبه ای میگوید "تلاش کردیم تعریف ما از عدالت جنسیتی هم با واقعیت های کف جامعه هم با فرهنگ بومی منطبق باشد و هم رویکرد عدالت محور داشته باشد. بر همین اساس شاخص های عدالت جنسیتی، طرحی ایرانی و اسلامی است که با وجود مقابله و مخالفت های فراوان، در ستاد زن و خانواده تصویب شد!"

طرحی منطبق و بر اساس شاخص های عدالت جنسیتی اسلامی! همان عدالت اسلامی که زنان را در رده احشام بحساب میآورد و دادگاههای



اند. مردم عراق همزمان خواهان خروج ناتو و انحلال سازمان تروریستی ساخت رژیم ایران حشدالشعبی از محل زندگی شان شدند. چنین تصاویری دیروز در لبنان و امروز در افغانستان بخوبی قابل رویت اند. شاید قطب سومی که هر دو قطب تروریستی را محکوم کند در ابعاد چند ده میلیونی وارد مبارزات اجتماعی خود برای

لایروبی جامعه از شر تروریسم دولتی و تروریسم اسلامی نشد ولی با تمام نقاط ضعف اش نشان داد که نه حمایت کننده این است و نه آن. دولت آمریکا و ناتو که بر این تصور بودند با بنمایش گذاشتن عظیم ترین نیروی نظامی شناخته شده تاریخ بشری به منطقه سرعت می توانند هژمونی حاکمیت خود را به اسلام سیاسی تفهیم کنند، متوجه شدند که شکست خوردند و این حقیقت روشن شد که مادامی که مسائل اساسی در منطقه مثل مسئله فلسطین و خواست سکولاریسم و آزادی و برابری حل نشده باقی بماند، حتی با صرف صدها میلیارد دلار و استفاده از نیروی نظامی فوق مدرن و محاصره اقتصادی قادر نخواهند بود، نه "فرزندان" ناخلف خود را به تمکین وادار کنند و نه منطقه را بزنجیر اسارت خود بکشند. بنابر این و پس از یک دوره نسبتاً دراز مدت و برگذاری دهها کنفرانس تحت نام "کنفرانس افغانستان" یا "کنفرانس اسلامی" بطور مقطعی در پی زد و بند افتادند تا خود را از این نزاع بی انتها نجات دهند.

خاورمیانه امروز شاهد تحركات و سیاستهای جنس دیگری است که درخود نه جدید بلکه با سیاستهای بیست سال غرب و آمریکا متفاوت بنظر می آیند. در این راستا دولت آمریکا با خروج از افغانستان و با تاکید در پیدا کردن راه حلی با رژیم ایران حول توافق برجام دو، سیاستی را امروز به پیش میبرد که بیست سال پیش و پس از عروج یازده سپتامبر شاید برای کمتر انسانی قابل پیش بینی و تصور بود. آمریکا و متحدانش در توافق با طالبان افغانستان را ترک میکنند و در مقابل رئیسی جلاد اعلام میکنند که مذاکرات با ایران برای دستیابی توافقنامه پایانی، کانون توجه هیئت حاکمه آمریکا است. در همین راستاست که در کنار گله ای از نمایندگان مرتجع اسلامی در مراسم تحلیف ابراهیم رئیسی، نمایندگان اتحادیه اروپا هم حضور پیدا میکنند. همان نمایندگان "حقوق بشر" که برای عادیسازی روابط اقتصادی و سیاسی با تروریست ها تلاش می کنند و بفکر بازگرداندن جمهوری اسلامی به آغوش "پرمحبت" جهان سرمایه و مشخصاً غرب هستند. امروز غرب و شرق به معنی سابق وجود ندارد و سرمایه داری در یک بازار جهانی کار میکند. اما رقابت قطبهای سرمایه داری در کانون های بحرانی جهان از جمله خاورمیانه وجه دیگر و مهم مسئله است و هنوز اسلام سیاسی و دولتهای اسلامی در این جدال جهانی و منطقه ای قدرتهای سرمایه داری برای طرفین درگیر از آمریکا و دول غربی تا چین و روسیه کاربرد دارند. هیچکدام از این دولتها بطور واقعی با اسلام سیاسی در منطقه و سرکوب جنبشهای آزادیخواهانه و کارگری مشکلی نداشتند.

هنوز چهارچوب توافقات بین آمریکا و دول غربی با جمهوری اسلامی و طالبان معلوم نیست. روشن است جمهوری اسلامی خواهان ضمانت در حفظ حکومت خود است و طالبان خواهان بازگشت به قدرت در افغانستان. آمریکا هم بغیر از حفظ امنیت اسرائیل، خواهان پایان حملات به منافع خود در منطقه است. عدم دستیابی جمهوری

بازگشت به آغوش پر مهر مادر؟

از طالبان تا جمهوری اسلامی

نادر شریفی

"جنگ طولانی با تروریسم"، یعنی جنگ قدرت آمریکا با اسلام سیاسی، پس از افغانستان ماهیتاً کشمکش سیاسی خواهد بود، حتی اگر طرفین در مقاطعی دست به اقدامات نظامی موضعی و عملیات تروریستی علیه یکدیگر بزنند. هدف این جنگ از جانب آمریکا حذف اسلام سیاسی نیست.

...

هدف غرب در این زورآزمایی نه نابودی اسلام سیاسی و یاحتی لزوماً سرنگونی دول اسلامی، بلکه قبولاندن هژمونی سیاسی به جنبش اسلامی و تعیین مقررات بازی است. از نظر آمریکا این جنبش باید حدود خود را بشناسد. باید قلمرو عملیاتی خودش را به منطقه محدود کند، مکان خویش و جایگاه ویژه آمریکا را بفهمد. نه فقط دولتهای اسلامی میتوانند سر کار باشند، بلکه حتی تروریسم هم مجاز است، مشروط بر اینکه قربانانین تروریسم کمونیستها و چپها در ایران و افغانستان و پاکستان و ترکیه باشند. اما حمله در خاک خود آمریکا دیگر غلط زیادی است. آمریکا میخواهد این درس و این موازنه را به خاورمیانه ببرد. منصور حکمت).

یازدهم سپتامبر امسال، بیستمین سال حمله تروریسم اسلامی به آمریکا و یادآور کشتار هزاران مردم بیگناه و پس از آن لشکرکشی عظیم ارتش آمریکا و ناتو به افغانستان و عراق است. از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ تا امروز جوامع بشری شاهد رویدادهای مهم و سرنوشت ساز زیادی و جنایات متعددی توسط دو قطب تروریستی دولتی و اسلامی بوده اند. یازدهم سپتامبر را هیئت حاکمه آمریکا روز جنگ علیه "تروریسم جهانی"، مبارزه علیه شیطانهای بزرگ و "محورهای شرارت" نام گذاری کرد و با قول انتقام "بی رحمانه"، بمبها و موشکهای فوق مخرب "مادر" خود را با "افتخار" بر سر مردم بی دفاع افغانستان ریختند و یا با هواپیماهای بی سرنشین از هزاران کیلومتری، هر جنبنده ائی در عراق را موشک باران کردند. نزاع دو قطب تروریستی در تحکیم هژمونی خود در منطقه، مولد نیروهای فوق ارتجاعی دیگری از جمله داعش، حشدالشعبی در عراق، سلفی ها و در ادامه براه انداختن "جنگ داخلی" در سوریه هم بود. به هر صورت یازدهم سپتامبر یادآور "جنگ" دو قطب تروریستی است که یکی از این دو قطب با فریاد "الله اکبر" سر زنان و کودکانی که از بخت بد جلوی تروریستهای اسلامی سبز شده بودند را می برید و آن یکی بنام صدور دموکراسی و مبارزه با تروریسم هر جنبنده ای را با به موشک می بست.

در سرآغاز بیستمین سالروز یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ مردم منطقه، بخشی از همان قطب سوم و بشریت آزادیخواه و متمدن، در منطقه نشان دادند که نه طرفدار حاکمیت تروریسم دولتی و نه اسلام سیاسی

بازگشت به آغوش پر مهر مادر؟

از طالبان تا جمهوری اسلامی ...

اسلامی به سلاح اتمی، بطور حتم مهمترین سنوالی است که باید برای آن راه حلی پیدا کنند. در نتیجه پس از دستیابی به هر توافقنامه ای که همه طرفین با آن خرسند باشند، هنوز این سوال که جمهوری اسلامی و طالبان قرار است چه بلائی بر سر مردم بیاورند روی میز است که البته مشغله و مسئله دول دمکرات و حقوق بشری و رسانه هایشان نیست.

گفتیم غرب خواهان پایان تنش با اسلام سیاسی در خاورمیانه است. این بدان معناست که باید "فرمولهای" دوران جنگ سردی مثل دفاع از حقوق بشر، حقوق جهانشمول انسانی، آزادی و دموکراسی از جنسی غربی اش را از "فرهنگ غرب" برای "شرق" خارج کرد و یا حداقل کاربرد تبلیغاتی آن را خارج از امور خاورمیانه و آفریقا برای مثال حملات جنگ سردی به رقبای درنده تر مثل چین و روسیه مورد استفاده قرار داد. شاید قدم بعدی و امیدشان این باشد با رفع مجازاتهای اقتصادی برای رژیم ایران و طالبان در افغانستان، آنها نیز به تامین منافع دولتهای اسرائیل و آمریکا متعهد شوند، تلاشی که تاکنون شکست خورده است. در میان بند و بست تروریستها، مردم افغانستان فراموش شده اند، مبارزات و خیزشهای توده ای در ایران و امواج اعتصابات کارگری خبر محسوب نمی شوند و بندرت میتوان ردی جدی از آنها در رسانه های غربی پیدا کرد. در مقابل اخبار از چین "کمونیسیت" که یک سکوی بندریش در شهر بندری دچار حادثه شده است و یا این بانکهای چینی نود درصد نیروگاههای برق زغال سنگی را در سراسر جهان حمایت مالی میکنند، و یا تظاهرات در کوبا موضوعاتی هستند که این روزها میدیای غربی از تکرار چندصد باره آن خسته نمی شوند.

آینده این توافقات هم، با اتکاء به تجارب چهل و دو ساله ما بخوبی روشن اند. عمارات برپا شده از صدها هزار اعدام و توحش اسلامی سیاسی را نه در ایران و نه در افغانستان با رنگ زدن در و دیوارهایش و چند تا ستون حمایتی غرب نمی توان برپا نگهداشت. دو طرفین توافق هم آنقدر "توافق" خواهند داشت تا مصالح شان حکم کند. همین امروز اخبار حاکی از آنند که توافقات آمریکا در افغانستان با طالبان توسط نیروهای طالبان زیرپا گذاشته شده است. اخبار حاکی از توافق آمریکا و طالبان در استقرار نیروهای طالبان خارج از مراکز شهری بود ولی طالبان با اشغال شهرها، امارات دولتی را یکی پس از دیگری اشغال، زنان و کودکان را بی حقوق و روانه زندانهای خانگی و قوانین متحجر و کپک زده اسلامپاش را در مناطق اشغالی یکی پس از دیگری دوباره جاری میکنند. در مورد جمهوری اسلامی وضعیت حتی از این بدتر خواهد بود. جمهوری اسلامی حتی با برجام دو، دست از پروژه اتمی شدن بر نخواهد داشت. دیگر اینکه جمهوری اسلامی نه می خواهد و نه قادر خواهد بود از حمایت از نیروهای نظامی تروریستی اسلامی مثل حماس، حزب الله لبنان و یا حوثیها دست بشوید. جمهوری اسلامی برای حفظ خود، احتیاج به تشنج ادامه دار در منطقه دارد. بنابراین نمیتواند کشورهای منطقه مثل عراق، اقلیم کردستان و عمان و لبنان را به حال خود رها کند. در مورد تضمین به امنیت و منافع اسرائیل موضوع حتی

پیچیده تر است. در این میان نه تنها حماس از فکر حمله به اسرائیل کوتاهی نخواهد کرد که نیروهای راست افراطی در خود اسرائیل برای دست یابی دوباره به قدرت آرام نخواهند نشست. نتیجتاً بنظر من این توافقنامه ها و سازشها عمر کوتاه تری خواهد داشت از اینکه بتوان به پایداری آنان "خوشبین" بود. دنیا را محاسبات آمریکا و ترویسیت ها نمی سازد.

مبارزات کارگری، مبارزات شهری در ایران

اما آنچه به مبارزات طبقه کارگر ایران و مبارزات سرنگونی طلبانه شهری در مقابل جمهوری اسلامی برمیگردد، موضوع بسیار بسیار شفاف است؛

یک: در هیچ کجای دنیا، هیچ جنبش کارگری چنین طبقاتی و هوشمند در کمین حکومت ننشسته و خواهان دستیابی به قدرت سیاسی نیست.

دو: کشمش طبقاتی و قطبی شدن سیاست نشان بارز دیگری در تحولات سیاسی امروز ایران است.

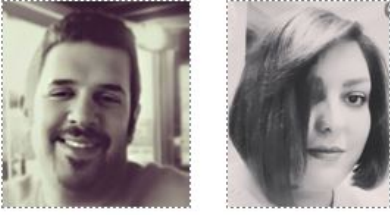
سه: تحریم سراسری انتخابات و از صندوق رای در آوردن جلاله رئیس و پس از چهار روز از آن گسترش خیزشهای شهری و اعتصابات گسترده کارگری، نشان از آرایش تهاجمی جامعه علیه حکومت است که کمتر از سقوط نظام اسلامی را نمی پذیرد.

چهار: سیاست سرکوب در آبان ۹۸ به وحشیانه ترین شکل در دستور قرار گرفت اما جواب نداد، قتلهای وسیع و دستگیری ها و زندانی کردن هزاران نفر به سکوت منجر نشد. جمهوری اسلامی نخواهد توانست جامعه را از تصمیم قطعی خود در سرنگونی عقب براند.

پنج: فساد در کل پیکره حکومت اسلامی، بحرانهای لاینحل اقتصادی و اجتماعی، دزدیهای میلیاردی، جمهوری اسلامی را بجائی رسانده که نمیخواهد برای تامین حداقل معیشت، سلامت و بهداشت مردم گامی بردارد. امروز برای مردم گرفتن هر حق ساده ای به سد حکومت میخورد و به یک معنا تا جمهوری اسلامی سرنگون نشود، جامعه روی سلامت و تامین حداقل معیشت زندگی را نخواهند دید.

شش: دستیابی به برجام دو و مجموعه سیاستهای سازش و توافق با آمریکا، جامعه منتظر از جمهوری اسلامی را ساکت خواهد کرد.

بعنوان نتیجه: امروز با گذشت بیست سال از واقعه یازدهم سپتامبر برای همگان روشن است که جهان غرب و با آن اپوزیسیون آویزان به آنان، برای حفظ عمارت پوسیده سرمایه بدون حمایت از جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی نمی توانند منافع خود را در منطقه دنبال کنند. این آشتی کنان تروریست ها نتایج اش معلوم است. نه مردم افغانستان و نه عراق و نه ایران دیگر نباید توهمی به دول غرب که همیشه در پی منافع خود بوده اند، داشته باشند. حمایت آمریکا از اسلام سیاسی و توافق غرب با جمهوری اسلامی و طالبان و یا حضور نمایندگان اتحادیه اروپا در مراسم تحلیف رئیسی اکیدا ربطی به عدم آگاهی آنان از ساختار حکومت جنایتکاران اسلامی ندارد. منافع آنها ایجاب میکند کنار خامنه ای و طالبان بایستند. مردم در افغانستان و ایران باید خود سرنوشت شان را بدست گیرند، در جبهه و صف متمایزی با پرچم همزیستی مردم منطقه و سرنگونی دولتهای اسلامی به میدان بیابند. دستور کار کمونیسیت ها و طبقه کارگر در کشورهای منطقه بسیج کارگران و مردم علیه دولتهای فاسد نظامی و دیکتاتوری و اسلامی و پاکسازی کشورها و منطقه از نیروهای متفرقه ارتجاع سرمایه داری است.*



ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

نه به شورای اسلامی کار و رای منفی به رفتن نمایندگان کارگری به جلسه با مقامات استان:

- مخومه کردن پرونده قضایی وکیل مان خانم فرزانه زیلابی
- واکسیناسیون عمومی، سریع و رایگان در مقابل کرونا

کارگران نیشکر هفت تپه در ادامه اعتصاب، روز شنبه ۱۶ مرداد، ابتدا در مقابل فرمانداری شهر شوش دست به اعتراض زدند. کارگران به اداره کار بابت همدستی شان با شورای اسلامی منحل شده اعتراض کردند و اعلام کردند افراد شورای اسلامی کار نمایندگان کارگران هفت تپه نیستند و حق ندارند به نام ما کارگران وارد مذاکره شوند. بدنبال اعتراض کارگران، فرمانداری از فعالین مستقل دعوت به جلسه و مذاکره میکند. فعالین این موضوع را در جمع کارگران طرح کردند و با اکثریت بالا رای به عدم رفتن با این افراد بی خاصیت و نوکر اسدیگی ها دادند.

تجمع کارگران کارخانه سیمان سپاهان
روز شنبه ۱۶ مرداد کارگران کارخانه سیمان سپاهان دیزچه واقع در مبارکه اصفهان در اعتراض به سطح نازل دستمزدها و وضعیت بد معیشتی دست از کار کشیده و مقابل فلکه ورودی کارخانه تجمع کردند.

تجمع اعتراضی کارگران آب و فاضلاب هویزه
روز یکشنبه ۱۷ مرداد کارگران و پرسنل آب و فاضلاب هویزه در اعتراض به عدم پرداخت مطالباتشان مقابل این اداره تجمع کردند. کارگران و پرسنل اداره آب و فاضلاب شهرستان هویزه ۹ ماه حقوق و ۳ سال حق بیمه طلب دارند.

سه‌شنبه ۱۹ مردادماه در بیست و نهمین روز از اعتصاب کارگران هفت تپه، کارگران با تجمع مقابل ساختمان فرمانداری شوش پلاکاردهایی برای حمایت از اعتراضات به بی‌آبی و وضعیت معیشتی مردم استان استفاده کردند و شعار «خوزستان آب ندارد، هفت تپه جان ندارد، کارگر نان ندارد» سر دادند. چهارشنبه ۲۰ مردادماه در سی امین روز اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه ابراهیم عباسی منجری سخنرانی کرد. در این تجمع کارگران با در دست داشتن عکس شفیق چنایی علیه وزیر بهداشت شعار دادند. شفیق چنایی از همکارانی بود که متأسفانه روز سه شنبه به دلیل ابتلا به کرونا جانباخت. پنجشنبه بیست و یکم مرداد ۱۴۰۰ اعتصاب هفت تپه سی و یک روز را پشت سر میگذارد.

تجمع اعتراضی اینترن‌ها در کرمانشاه
روز شنبه ۱۶ مردادماه دانشجویان پزشکی درحال آموزش در اعتراض به شرایط کاری و معیشتی خود مقابل دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه دست به تجمع زدند. لازم به ذکر است که از اینترن‌ها به بهانه آموزش و کسب تجربه در حقیقت بی‌گاری میکشند و بویژه در جریان همه‌گیری کرونا، حجم کاری سنگین و پر مشقتی را بر آنان تحمیل کردند که در زیر این فشارهای خردکننده چند نفر از آنان دوام نیاورده و جان باختند. روز یکشنبه ۱۷ مردادماه نیز دانشجویان پزشکی برای دومین روز متوالی در اعتراض به شرایط شغلی، آموزشی و معیشتی خود مقابل دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه دست به تجمع زدند.

خبر پرداخت دو ماه حقوق در شنبه و یکشنبه و اعلام و اجرای رای پرونده هفت تپه طی دو هفته آتی. کارگران اعلام کردند که تا چند روز آخر مرداد چهار ماه حقوق معوق دارند و با دو ماه حقوق چیزی درست نمیشود. حقوق‌ها باید سر وقت پرداخت شوند. همینطور اعلام کردند در دو هفته آتی اعتصاب ادامه دارد تا وضعیت هفت تپه مشخص شود.

تجمع اعتراضی کارکنان آتش‌نشانی ساوه
شماری از کارکنان سازمان آتش‌نشانی ساوه، روز یکشنبه ۱۷ مردادماه، با هدف پیگیری مطالباتشان در داخل ساختمان شورای این شهر تجمع اعتراضی برپا کردند. آنها ضمن دیدار با رئیس شورای شهر ساوه، خواستار رسیدگی مسئولان به مطالبات صنفی و حقوقی و برطرف شدن مشکلاتشان شدند.

اهم مطالبات کارگران اعتصابی نیشکر هفت تپه به شرح زیر است:
- اخراج فوری کارفرمای خلع بد شده، محاکمه مختلسین و ممنوعیت ورود هرگونه بخش خصوصی دیگر به هفت تپه
- پرداخت فوری حقوق معوقه همه همکاران
- تمدید فوری قراردادهای تمام همکاران منجمله همکاران دفع آفات و غیرنیشکری و فصلی‌های تجهیزات و کارخانه
- بازگشت به کار همکاران اخراجی

تجمع نانوایان یزد و زنجان مقابل استانداری
روز شنبه ۱۶ مردادماه نانوایان زنجان در اعتراض به عدم افزایش قیمت نان و بالا رفتن هزینه نانوايي‌ها مقابل استانداری زنجان تجمع کردند. روز سه‌شنبه ۱۹ مرداد نیز جمعی از نانوایان یزد در اعتراض به وضعیت بد کاری و معیشتی مقابل استانداری یزد دست به تجمع زدند.

تجمع نخلداران در سازمان جهاد کشاورزی خوزستان

مخابراتی، محکوم شده است.

ستون اخبار کارگری و حرکتهای

اعتراضی ...

ادامه اعمال فشار به فعالین معلمان
برای سه نفر از اعضای هیئت مدیره کانون صنفی فرهنگیان گیلان آقایان تیمور باقری کودکانی (عضو هیئت مدیره)، محمود صدیقی پور (عضو هیئت مدیره) و عزیز قاسم زاده (عضو هیئت مدیره و سخنگو) پرونده سازی تازه ای شکل گرفته است. هنوز موارد اتهامی اعضای هیئت مدیره کانون صنفی فرهنگیان گیلان مشخص نشده و طبق پیامک ارسالی برای هر سه نفر آنها با شماره پرونده مشترک پرونده ای در شعبه ۱۴ بازپرسی- ناحیه ۳ رشت تشکیل شده است. پیش از این نیز برای رسول بدایقی عضو هیئت مدیره کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر به همراه هشت نفر دیگر از فعالان مدنی و حقوق بشری و وکلای پس از برگزاری تجمع حمایتی از مردم خوزستان در مقابل وزارت کشور، پرونده ای از سوی مقامات تشکیل شد. شایان ذکر است رسول بدایقی پس از شهریور ۸۸ تا اردیبهشت ۹۵ هفت سال را در زندان بدون مرخصی گذرانده است.

یکشنبه های اعتراضی بازنشستگان
جمعی از بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد خوزستان و اصفهان روز یکشنبه ۱۷ مرداد مقابل ساختمان این صندوق در شهرهای اهواز و اصفهان تجمع کردند. بازنشستگان فولاد خواهان افزایش حقوق و مستمری و همسان سازی واقعی حقوق خود هستند.

کشته و زخمی شدن دو کولبر در نوار مرزی کردستان
روز دوشنبه ۱۸ مردادماه نیروهای هنگ مرزی ههنگه‌زال از توابع بانه به سوی دسته‌ای از کولبران آتش گشودند که در نتیجه آن یک کولبر اهل مهاباد با نام امید خضری ۴۷ ساله و ساکن شهرستان ربط، جانش را از دست داد و یک کولبر نوجوان دیگر با نام فرهاد اسماعیلی ۱۸ ساله و اهل پیرانشهر به شدت زخمی شد.*

روز سه‌شنبه ۱۹ مرداد جمعی از نخلداران استان خوزستان در اعتراض به کم آبی، از بین رفتن نخلستان‌ها، سیاست‌های قیمت گذاری و ورود دلالان به خرید و آنچه خسارات جبران ناشدنی دانستند وارد سازمان جهاد کشاورزی خوزستان شدند و فعالیت این اداره را متوقف کردند.

مردم جونقان استان چهارمحال و بختیاری در پی بازداشت حبیب فدایی به خیابان آمدند

صبح روز سه‌شنبه ۱۹ اسفندماه ۹۹، نیروهای امنیتی با یورش به منزل حبیب فدایی، وی را بازداشت کردند. حبیب فدایی به دلیل سخنرانی در جمع مردم معترض جونقان بازداشت شد. نیروهای امنیتی فرزند وی را نیز مورد ضرب و شتم قرار دادند. در ادامه، مردم جونقان به اعتراض برخاستند و با بستن جاده و خیابان‌ها خواهان آزادی فوری آقای فدایی شدند. مردم متحد جونقان با اعتراض شان مقامات را مجبور به عقب نشینی کردند و دادستان شهر اعلام کرد که چهارشنبه ساعت ۱۰ صبح حبیب فدایی آزاد خواهد شد. مردم به تجمع خود تا آزادی حبیب فدایی ادامه دادند و با شعار آزادی مبارک به استقبال وی رفتند.

نقده، شلیک به معترضین

روز شنبه ۱۶ مرداد ماه، در جریان برگزاری تجمع بخشی از شهروندان در مقابل کلانتری شماره ۱۱ شهر نقده، یک فرد بر اثر تیراندازی نیروهای انتظامی محمد علیزاده، ۲۷ ساله جان خود را از دست داد. ماموران گارد ویژه به سمت اجتماع شهروندان اقدام به پرتاب گاز اشک آور و گلوله‌های ساچمه‌ای کردند که دهها نفر طی آن زخمی شدند.

شکنجه و ضرب و شتم محمد جواد لعل محمدی توسط نیروهای امنیتی
محمد جواد لعل محمدی معلم معترض پس از آزادی از بازداشت تصاویری از بدن شکنجه شده‌اش را در فضای مجازی به انتشار گذاشت. محمد جواد لعل محمدی روز ۱۰ مرداد به همراه فاطمه سپهری در پارک ملت مشهد و در یک تجمع کاملاً مسالمت‌آمیز در حمایت از مردم تشنه خوزستان بازداشت شدند.

سهیل عربی به ۲ سال حبس، پرداخت جزای نقدی و مجازات های تکمیلی محکوم شد

سهیل عربی، زندانی سیاسی که در زندان رجایی شهر کرج در حال تحمل دوران محکومیت خود است، در پرونده ای دیگر توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ۲ سال حبس تعزیری، جزای نقدی، ممنوعیت خروج از کشور و الزام حضور فصلی در دفتر نظارت و پیگیری ضابطین محکوم شد. جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات سهیل عربی در تاریخ ۶ مردادماه در این شعبه برگزار شده بود. براساس این حکم که توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری طی روزهای اخیر صادر و ابلاغ شده است، سهیل عربی از بابت اتهام واهی "نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی به وسیله سامانه های

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم

توده ای را همه جا برپا کنید!

در کارخانه ها و محلات شوراها

را برپا کنید!

یادداشتها

سیاوش دانشور

اعتراف به جنایت

زالی رییس ستاد مقابله با کرونای تهران در گفتگویی به جنایت آگاهانه رژیم علیه مردم اعتراف کرده است:

او گفته است: "وقتی کارشناسان سازمان جهانی بهداشت به ایران آمدند ما به جای مشورت با آن‌ها مدام از آن‌ها می‌خواستیم در رسانه‌ها از نظام سلامت ایران تعریف کنند." او می‌گوید "ما ممنوعیت وارد کردن واکسن داشتیم و کمکهای جهانی و پزشکان بدون مرز را از فرودگاه برگرداندیم." او تأکید دارد که "سفرای حکومت دنبال تهیه واکسن نبودند" و سیاست تهیه واکسن نداشتند. او می‌گوید "آمار فوتی‌ها را از سازمان بهداشت جهانی پنهان کردیم!!" و روشن است که بیشتر از همه با دستکاری آمارها از مردم ایران پنهان کردند.

وقتی می‌گوئیم جمهوری اسلامی از پاندمی کرونا بعنوان ابزار کشتار، برای به استیصال کشاندن مردم و بقای حکومت استفاده می‌کند، به عملکرد جنایتکارانه خامنه‌ای و سران حکومت اسلامی اشاره داریم که آگاهی عمومی است. حال که در نتیجه مجموعه سیاستهای حکومت روزانه مردم مثل برگ خزان میریزند و نظام سلامت در حال فروپاشی کامل است، اکنون که واکسن و زنده ماندن به صدر رانده شده و همین میتواند دریچه‌ای برای یک تلاقی سیاسی جدید باشد، خامنه‌ای دستور رفع ممنوعیت وارد کردن واکسن میدهد و ریاکارانه آنرا "مسئله اول کشور" اعلام میکند.

بعبارت دیگر با اعتراف به جنایت از زبان خود حکومتی‌ها، بروشنی میتوان گفت که حداقل بیش از دو سوم قربانیان کرونا بدلیل سیاستهای حکومت جانشان را از دست داده‌اند. این قتل نفس و آگاهانه دولتی و با محاسبات کاملاً سیاسی و امنیتی بوده است. یک بند کيفرخواست خامنه‌ای و سران حکومت جنایت جمعی با استفاده از شیوع پاندمی کرونا است.

۱۲ اوت ۲۰۲۱

خامنه‌ای مسئول قتل عام کنونی است

برای نان و واکسن برخیزیم!

ایران به روایت پزشکان و ناظران اهل فن، هشت برابر بیشتر از بدترین کشورهای دنیا بدلیل کرونا تلفات میدهد. آمار دولتی مورد اعتماد هیچکسی از جمله گویندگانش نیست. اگر کفن کم آمده و سرجاده‌ها کفن می‌فروشدند، معنی اش اینست که سهام صنعت مرگ در بازار بورس بالا رفته است.

کمترین تردیدی در اینکه جمهوری اسلامی و در راس آنها خامنه‌ای، آگاهانه مردم را به کشتن میدهد، آوانس دادن به جمهوری اسلامی است. بیمارستانها پُر، بیماران فاقد هزینه درمان، بساط عاشورا و تعزیه براه، مسئولین واکسن فایزر زدند و مشغول تجارت مرگ برای بقای نظام هستند.

در آبان ماه هزار و پانصد کشته دادیم.

در پیک های مختلف کرونا بیشمار فوتی با رنج و درد و خفگی داشتیم. امروز آمارهای دولتی، که آنهم مربوط به چند جای مشخص است و آنهم دستکاری شده است، از ۵۰۰ و ۵۵۰ نفر فوتی در روز سخن می‌گوید. اگر واقعی تر ببینیم، آمار تلفات ما در کرونا در یکروز معادل تلفات خیزش آبانماه است. قتل های دولتی - کارفرمایی محیط کار، وضع وخیم جاده‌ها و میزان وحشتناک مرگ و میر، اعدام‌ها و قتل‌های غیر دولتی فعلاً بکنار.

جمهوری اسلامی و خامنه‌ای دروغ می‌گویند، یکسال است حرف مفت می‌زنند، از صدور واکسن به آمریکا تا اعلام تولید انواع واکسن فقط روضه خوانی برای وقت خریدن بوده است. سیاست جمهوری اسلامی اینست که با افت هر پیک کرونا، مقدمات اوج پیک بعدی را فراهم کند. آگاهانه و دقیقاً همین کار را کرده است. کرونا به ابزار سکوت مردم و کارگران و به ابزار اعمال حاکمیت سرنیزه بدل شده است. کرونا در ایران تنها پاندمی نیست، تجارت مرگ است. این مرگ‌ها سیاسی است. قتل است. عامدانه و حکومتی است.

در چنین وضعیتِ مشخصی سوال اینست که تحت حاکمیت جمهوری اسلامی کرونا بیشتر تلفات دارد یا برخواستن میلیونی؟ حتی تامین واکسن و نقد کردن حقوق معوقه و لقمه‌ای نان درگرو اینست که این ابزار را از حکومت بگیریم، حکومت را پس برانیم، دولت و حکومت را مجبور و موظف به تامین واکسن و چهارچوبهائی مانند قرنطینه و تامین معیشت و نیازهای دوران قرنطینه کنیم. هیچ کسی با عقل متوسط در دنیای کنونی قبول نمی‌کند که حکومتی درها را بروی کمک جهانی و خرید واکسن ببندد و مشغول قتل عام با ابزار پاندمی باشد. اینها برای بقای خود می‌جنگد، نباید بگذاریم موفق شوند. خیزش برای برق، آب و نان و واکسن حلقه‌های یک زنجیرند.

برای بخش بزرگی از مردم نان نیست، کار نیست، آب نیست، برق نیست، دارو و درمان نیست، واکسن نیست، سرپناه نیست، تنها مرگ ارزان هست و یک گور دستجمعی. راهی وجود ندارد، یا انتظار می‌کشیم و تکرار می‌کنیم گذشته‌ها را، دردها را جوک و طنز می‌کنیم تا طعم تلخش راحت تر شود، و یا می‌گوئیم کافی است و با عزمی باندازه کافی قدرتمند برمیخیزیم.

دوباره برخیزیم، اینبار برای نان و واکسن!

۱۱ اوت ۲۰۲۱

دولت را موظف کنیم:

- بیدرنگ شهرها و مناطقی بحرانی را قرنطینه کند، نیازهای بهداشتی، اقتصادی، تدارکاتی و خدماتی ویژه قرنطینه را تامین و تضمین کند!
- بیشترین امکانات و بودجه را به کادر درمان و نیازهای درمانی اختصاص دهد!
- کلیه مراکز تولیدی و خدماتی اعم از دولتی و خصوصی را تعطیل کند. تداوم فعالیت مراکز ضروری و اورژانس، بصورت شیفتی با کاهش ساعات کار باشد!
- حقوق کارگران و پرسنل واحدهای تولیدی و خدماتی بدون کاهش یا تعویق پرداخت شود!
- هر نوع اخراج و بیکارسازی توسط کارفرمایان ممنوع شود!
- نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی کلیه ساکنین ایران را به فوریت تامین کند!
- کودکان کار، زباله گرد، بی مسکنان و معتادین را در مراکز ویژه با رعایت کامل کرامت انسانی و تامین نیازهای معیشتی و بهداشتی آنان اسکان دهد!
- وسائل بهداشتی از قبیل ماسک، دستکش و شوینده ها بصورت رایگان توزیع شود!
- پرداخت قبوض آب و برق و گاز و اجاره و تلفن تا فائق آمدن کامل به بحران لغو شود!
- کلیه بدهی و دیون مردم به بانکها تا پایان بحران و برگشت به وضعیت عادی لغو شود!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

نقد کتاب توماس پیگتی

سرمايه

در قرن بیست و یکم

حسین مرادیگی

حسین مرادیگی (صحه سور)

"سرمايه در قرن بیست و یکم"

نقد کتاب توماس پیگتی



بحث رابطه ویژه سرمایه با کار، قلمروهای متنوع اقتصاد دانان بورژوا از جمله بویژه پیگتی است در کتابش. مشکل آنها معرفی نیست که گویا از منشاء سود و ثروت بورژوازی بی اطلاعاتند. "علم" اقتصاد بورژوازی که کارش کتمان منشاء سود و ثروت بورژوازی از طبقه کارگر است به آنها میآموزد که چگونه اقتصاد سیاسی را از دید سرمایه دار بعنوان مجموعه ای از پول و کار و ابزار تولید، آنچه که سرمایه دار روزانه با آن سرو کار دارد، تحلیل کنند تا منشاء سود و ثروت بورژوازی را که چیزی جز استثمار طبقه کارگر نیست از این طبقه کتمان کنند....

منتشر شد!

(تهیه کتاب در سوئد)

نقد کتاب توماس پیگتی

سرمایه در قرن بیست و یکم

نویسنده: حسین مراد بیگی (حمه سور)

برای تهیه این کتاب به شماره تلفنهای زیر ارتباط بگیرید

مهدی طاهری ۰۷۲۳۰۲۹۰۸۲

محمود محمد زاده ۰۷۳۶۲۲۸۷۲۶

کریم نوری ۰۷۰۴۴۴۱۵۵۵

قیمت کتاب ۱۰۰ اکرون سوئد، با هزینه پست ۱۴۰ اکرون

هزینه به این شماره تلفنهایمیتوانید سویس کنید و بابه شماره حساب زیر واریز کنید

P.G: 650 115 - 9 IKF

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار ورد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

نشریه
کمونیسٹ

COVID-19
Vaccineرایگان
استانداردهای
بهداشت جهانی
برای همه

واکسیناسیون رایگان

با استانداردهای بهداشت جهانی،
حق فوری کلیه ساکنین ایران است!

شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست



زنده باد سوسیالیسم!